

موقعیت پناهگاه‌ها یا

گریزگاه‌های امن منطقه

سکونت خود (مثلا پارک‌ها یا

سوله‌ها) را برای مواقع بحرانی

شناسایی کنید.

گزارش «شهروند» از تبدیل سومین پمپ بنزین تهران در خیابان سعدی شمالی به موزه

## من همان «جوان» سر کوچه فیات‌ام

به من زنگ می‌زدند و من کارگر می‌فرستادم تا تعمیرشان کنند. مدام تلمبه‌ها خراب می‌شد و به ما خبر می‌دادند.

• پس کارتان حسابی سخت بود.

کار زیاد بود و سخت. ۱۰ تا جایگاه دست من بود. تازه الان خیلی هم فرق کرده و بهتر شده. آن وقت‌ها کنار تلمبه‌ها شیشه داشت و هوای آلوده یا لوله‌ها سوراخ می‌شد، اما الان که پمپ را گذاشته‌اند در مخزن، خیلی عالی شده. تلمبه‌های جدیدنه شیشه‌خالی می‌کنند، نه لوله‌خالی می‌کنند، همیشه هم مواد در آن پر است.

• هنوز با همکاران قدیمستان در این جایگاه در ارتباطید؟

از هیچ کدام از همکارانم خبر ندارم. شاید خیلی‌ها ایشان مرده باشند.

محل کارش دارد تبدیل می‌شود به موزه و او می‌گوید: «آن ساختمان زشت و بدقواره کوچه پشتی را ببین. قبلا این طوری نبود. قبلا اصلا نبود. خوب شد دست کم این جا را خراب نکردند. نگهش داشتند تا بقیه ببینند ماروز گارمان را

مهدتاب جودی که از آن روزها که حسن آقا در پمپ بنزین دروازه دولت کار می‌کرد، ۲۵ سال گذشته است. کوچه فیات دیگر بوی بنزین و نفت و امشی نمی‌دهد اما از دو روز پیش که جایگاه سوخت شماره ۶ به موزه تبدیل شده، حسن آقا می‌گوید انگار جوان شده است. «من همان جوان کوچه فیات‌ام. همان که استاد کار بود و تلمبه‌ها را تعمیر می‌کرد. همان که چند جایگاه سوخت تهران زیر دستش بود. همان که پمپ بنزینی بگوید که زمانی جوان بود و حالا با ایستادگی کامل تبدیلیش کرده‌اند به موزه. لیچند نشسته روی لب حسن آقا و عینکش را می‌روی دماغش جابه‌جا می‌کند تا بادقت ببیند.

ساختمان همان است که بوده و ورودی اش طاقی قوسی دارد با دو ردیف کاشی تکرنگ سبز لجنی، کاشی‌های معرق و کاشی‌های هفت‌نگ و دو پنجره در دو طرف بنای اصلی در دو قاب مربع شکل باطاق قوسی‌های کشیده شبیه دو چشم خیره به دستگاه‌های پمپ بنزین توی حیاط.



چطوری سپری کردیم. تهران این شکلی بود، شبیه این پمپ بنزین، نه شبیه آن ساختمان زشت. اگر این‌جا هنوز به‌راه بود که نمی‌شد آن خانه این همه نزدیک باشد. آن پنجره را ببین. اگر این‌جا سوخت تخلیه می‌کردند حتما آتش می‌گرفت.»

حسن آقا دلش می‌خواهد در باره جزئیات کار حرف بزند. درباره این که آن زمان همیشه باید در مخزن دو هزار لیتر بنزین می‌بود تا دینام نسوزد. با این که پمپ‌ها در مخزن

کیست که میان این همه ساختمان سیمانی تکراری، این بنای آجری را زیبا بینند؟ از میان همه جایگاه‌های سوخت تهران، فقط همین یکی به شکل سابق باقی مانده؛ اولین جایگاه در تقاطع خیابان ولیعصر و مولوی ویران شده، دومین جایگاه سر خیابان وصال هنوز فعال است اما با چهارای امروزی، سومین جایگاه به نام پمپ بنزین ری با این که در فهرست آثار ملی ثبت بود، شبانه تخریب شده و چهارمین جایگاه در خیابان ۱۵ خرداد مرمت شده اما خیلی ناشایبانه.

جایگاه سوخت شماره ۶ که به اسم پمپ بنزین دروازه دولت می‌شناسندش، در ضلع جنوب غربی خیابان‌های انقلاب و سعدی قرار گرفته. سال ۱۳۱۷ در دوره پهلوی، شرکت نفت انگلیس و ایران زمینش را خریدند و سال ۱۳۱۹ برای توزیع فرآورده‌های نفتی مثل نفت سفید، بنزین و امشی این پمپ بنزین را ساختند. ساختمان این جایگاه، در سال ۷۴، وقتی که متروی دروازه دولت از زیر آن رد شد، رها شد و مترو که تا امروز، وقتی اوایل سال ۹۲، مدیریت موزه‌ها و مرکز اسناد صنعت نفت کارش را شروع کرد، چشمش به این بنای مترو که افتاد. مرداد سال ۹۶ نام این پمپ بنزین با شماره ۳۱۷۱۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و این باعث شد که حفظ شود و مثل جایگاه‌های دیگر شبانه تخریبش نکنند و دو سال طول کشید تا تبدیل شود به موزه‌ای برای نمایش اشیاء و اسناد مرتبط با چرخه تحول پخش فرآورده‌های نفتی از ابتدا تا امروز و همین‌طور شیوه‌بارگیری، حمل و تخلیه سوخت در جایگاه‌های پخش.

### روایت حسن آقا از جایگاه شماره ۶

حسن گلی‌وند که حالا چشمش به جایگاه‌های سوخت، ماشین سنگین تخلیه و پمپ‌ها افتاده، دوباره جوان شده است. او همه خاطره‌هایش بوی نفت می‌دهد.

• شما چند سال در این جایگاه کار می‌کردید، آقای گلی‌وند؟

من ۲۰ سال در پمپ بنزین‌های تهران کار می‌کردم. در پمپ بنزین استاد کار بودم و کارگر و راننده داشتم. نبین اینطوری که حالا موهام سفید شده. من در پمپ بنزین‌های شرکت نفت به حسن خوشگل معروف بودم. جوان بودم، خوش لباس بودم، ورزشکار بودم. ماشین‌ها را بلندی می‌کردم و روزی ۱۰ تا تلمبه عوض می‌کردم.

• کارتان این‌جا در جایگاه شماره ۶ تهران چه بود؟ در همه جایگاه‌هایی که فعالیت می‌کردم، کار تعمیر تلمبه‌ها بود. در جایگاه‌ها هر وقت تلمبه‌ای خراب می‌شد،

نخستین «مدرسه سبز» ایران ساخته می‌شود

مدیر کل نوسازی مدارس استان تهران از آغاز عملیات ساخت نخستین مدرسه سبز سطح کشور باز بر بنای ۷ هزار متری در تهران خبر داد. علی شهری در این باره گفت: «نخستین کار ترویجی زیست محیطی در سطح کشور را نیز در ۵۰ مدرسه تهران در سال جاری برای آموزش معلمان و دانش‌آموزان انجام خواهیم داد و رویکرد ما عمدتاً صرفه‌جویی در مصرف انرژی و به‌ویژه آب است.» به گزارش «ایسنا»، او درباره روند ساخت مدارس سبز تهران که از سال گذشته در دستور کار نوسازی مدارس تهران قرار گرفته گفت: «عملیات ساخت مدرسه سبز به تازگی شروع شده و نخستین استانی هستیم که آن را اجرا می‌کنیم. یک مدرسه نوساز در منطقه ۵ تهران را با رویکرد سبز به کمک مشاورین امر طراحی کرده‌ایم. ساخت مدارس سبز به سازمان نوسازی مدارس سپرده شده و ماباباد ابتدای ساخت، فاکتورهای مدیریت سبز را اعمال کنیم.»



نمود و خود تلمبه، سوپاپ و موتور و سیفون و تسمه داشت و یک هندل اضافه داشت تا اگر برق رفت، هندل بزنند که مشتری بنزین بگیرد و شاک می‌نشیند. برای همین، او بحث را از زیبایی ساختمان می‌کشاند به این که تخلیه جایگاه در زمان قدیم چطور بود و با جزئیات تعریف می‌کند. گویی بعد از ۲۵ سال باز نشستگی رئیس جایگاه سوخت شده: «مثلا فرض بگیریم که یک ماشین می‌آید و می‌خواهد ۲۰ هزار لیتر خالی کند. مخزن را باید دیپ بزنند و برون‌بالا، برای این کار کف بتن باید تراز باشد تا ماشین یک‌ور نشود. این طوری رئیس جایگاه که می‌رود بالا دیپ بزند، قشنگ دیپ می‌زند، کم‌وزیاد نمی‌شود و بعد خالی نمی‌کند. موقع تخلیه هم باید زیر شیر را باز کنند، یک‌ور کنند که ته ماشین چیزی نماند. قدیم‌ها دوزخ زیادی می‌شد، الان نمی‌دانم چطوری است.»

او اینها را می‌گوید و مخزن نفت جایگاه شماره ۶ را نشان می‌دهد، درست در کوچه فیات که زمانی نمایندگی ائومبیل فیات در آن بود و حالا دیگر نیست. بعد یک گوشه دیگر را نشان می‌دهد که روزگاری اتاق روغن بود. «روغن داشتیم چهار لیتری ۱۲ تومان، الوند. چهار فصل هم داشتیم، زمستان می‌شد ۳۰، تابستان می‌شد ۴۰ تومان. یک بنزین‌هایی داشتیم که برای اتوشویی‌ها بود، می‌بردند لباس می‌شستند، ۱۸ تومن می‌فروختیم. آن بنزین‌ها هم دیگر نیست. مقصودم این است که خیلی الان بهتر شده. نازل‌ها اتوماتیک شده و فشار در آن کنترل می‌شود. آن زمان مادر جایگاه اناری (جایگاه ۱۸)، تقریباً ۳۰ سال پیش،

شهردار تهران:

### «مال»ها هزینه اضافی اند نه ارزشی برای پایتخت

است.

شهردار تهران با تأکید بر تبدیل فضاهای صنعتی به فضاهای قابل استفاده موزه‌ای گفت: «یکی از روش‌هایی که بسیار مفید و موثر بوده است، همین تبدیل فضاهای صنعتی به فضاهای موزه‌ای است که تجربه‌های زیادی در دنیا به این شکل وجود دارد و در ایران نیز فرهنگسرای بهمن و کارخانه آب جوی شمس را به عنوان تجربه داشته‌ایم.»

حناچی تأکید کرد: «به عنوان شهردار تهران از وزارت نفت، بانک ملی و ارتش به دلیل آن که فضاهای خود را به روی مردم باز کرده‌اند، قدردانی می‌کنم و امیدوارم همه دستگاه‌ها برگه‌های شناسنامه‌ای هویت خود را حفظ کنند. بی‌تردید امروز شهرهای دنیا با این ارزش‌ها یکدیگر رقابت می‌کنند.»

به گزارش ایسنا، شهردار تهران در پایان افتتاح این موزه در جمع خبرنگاران و در پاسخ به سؤالی مبنی بر این که وزارت نفت کمک خود را در خصوص خرید واگن‌ها از محل صرفه‌جویی از مصرف انرژی چه زمانی به شهرداری تهران پرداخت می‌کند، گفت: «این موضوع در حال پیگیری است تا بتوانیم از این محل برای خرید واگن‌های مترو شهر تهران اقدام کنیم. به محض این که این موضوع به نتیجه برسد آن را اعلام خواهیم کرد.»

وی در خصوص اجرای طرح جدید محدوده کاهش آلودگی هوا در نخستین روز آن گفت: «۸۰ درصد آلودگی تهران برای سوخت فسیلی است که ۴۰ درصد آن مربوط به خودروهای شخصی می‌شود. لذا جهت گیری ما در راستای کاهش استفاده از خودرو شخصی و توسعه حمل‌ونقل عمومی است و در این مسیر همه باید همکاری کنیم و استفاده از خودروهای شخصی را کاهش دهیم.»



### «همه اسناد را نگه داشته‌ام»

موزه پمپ بنزین دروازه دولت تهران بعد از موزه‌های «بنزین خانه» و «کارآموزان صنعت نفت» آبدان به راه افتاده است. شاهپور نجات و کیلی که ۱۳۴۸ وارد وزارت نفت شد و سال ۹۳ بعد از ۴۵ سال کار بازنشسته شده، اسناد زیادی در اختیار این موزه گذاشت. «ما یک گروه سی نفره از هنرستان تهران بودیم. پیش آلمان‌ها درس می‌خواندیم و بعد وارد شرکت نفت شدیم. کار من در مخابرات بود؛ مسئولیت تعمیرات و نصب و برنامه‌نویسی سیستم‌های مخابراتی و شبکه‌های تهران را داشتم.» او از کارکنان خطوط لوله نفت بوده و حالا همکار موزه‌هاست؛ تجهیزات مخابراتی خیلی قدیمی و اسناد محرمانه وزارت نفت قبل از انقلاب را به موزه‌های نفت و مرکز اسناد تحویل داده است. «اسناد مکاتبات بین دربار با دکترا، قبلا، با نخست‌وزیر، با مسئولان نفت، همه اینها در موزه‌های مختلفی که راه انداختند، استفاده شدند. زمانی که انقلاب شد، کسی به اسناد فکر نمی‌کرد. آنها را دور می‌ریختند و پاره می‌کردند. من دوست داشتم نگهشان دارم و همین کار را کردم. تمام این سال‌ها از اسناد مراقبت کردم؛ هنوز بخشی از اسناد پیش خودم است و تحویل نداده‌ام.»

### در موزه چه می‌گذرد؟

کتابچه استاد جغرافیایی ارتش مربوط به سال ۱۳۳۰ نشان می‌دهد که در تهران ۱۳ جایگاه و پمپ بنزین بوده و جایگاه شماره ۶ حالا موزه شده است؛ موزه‌ای در کوچه فیات، در همسایگی موزه عروسک‌ها و در نزدیکی حصار ناصر.

در موزه دروازه دولت که برای معرفی تاریخ جایگاه‌های توزیع سوخت در کشور، نمایش اشیاء و اسناد مرتبط با چرخه تحول پخش فرآورده‌های نفتی از ابتدا تا کنون، شیوه بارگیری، حمل و تخلیه سوخت در جایگاه‌های عرضه و ... به راه افتاده، آخرین بازمانده بنزین جایگاه‌های تهران در یک بطری دید.

در یک اتاق نقشه‌های ۱۲ دروازه تهران نمایش داده شده، دروازه دولت دوم در سال ۱۳۰۹ به دستور رضاشاه برای توسعه شهر تخریب می‌شود و در نقشه ۱۳۲۳ برای اولین بار جایگاه شماره ۶ تصویر شده است. نقشه ۱۳۴۰ نشان می‌دهد که کوچه فیات نمایندگی ائومبیل فیات بوده است.

در اتاق بعدی کل پمپ بنزین‌ها و موزه‌ها و تغییرات پمپ بنزین‌ها و سیر تحول بنزین در طول ۱۷۰ سال نشان داده شده است و خلاصه‌ای از تاریخ ورود اولین ماشین بنزینی که مظفرالدین شاه در سال ۱۲۷۹ به تهران آورد تا آن‌چه ۱۲۰ سال بعد از آن اتفاق افتاد. فرآورده‌هایی که در دوره‌های مختلف در جایگاه‌ها به فروش می‌رسید هم نمایش داده شده؛ نفت سفید، بنزین‌های معمولی و سوپر و روغن موتور و حشره‌کش‌های امشی. در سال‌های هم پروسه سوخت‌رسانی به خودروها نمایش داده شده؛ قطعات جایگاه و قطعات ماشین، انواع نازل، قدیمی‌ترین دستگاه‌های تلمبه، قطعاتی که پروسه سوخت‌رسانی را نشان می‌دهد.

پمپ بنزین دروازه دولت به گواه کتاب راهنمای ایران و تهران یکی از قدیمی‌ترین عمارت‌های پمپ بنزین ایران و شهر تهران است.

عکس‌ها: سعید عالم‌حسینی / شهروند